



از سری مباحث اقتصاد ایران (شماره ۸)

سهام صنایع کارخانه‌های ایران در اشتغال

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

مهرماه ۱۳۹۶

بسمه تعالی

مقدمه:

ادبیات اقتصادی گویای اینستکه افزایش اشتغال در گرو بهبود نرخ رشد اقتصادی است. چرا که بهبود نرخ رشد اقتصادی، ظرفیت های اقتصادی را افزایش می دهد و این امر موجب افزایش تقاضا برای نیروی کار می شود. با افزایش تقاضای نیروی کار، تعادل نسبی در بازار کار ایجاد می گردد و نرخ بیکاری کاهش می یابد. اما این رابطه ممکن است به اقتضای وضعیت اقتصادی و صنعتی کشورها و همچنین نوع کسب و کارها دچار تغییر شود. بدین معنی که احتمال دارد نرخ بیکاری لزوماً با افزایش رشد اقتصادی و صنعتی کاهش پیدا نکند. ج.ا.ایران یکی از کشورهایی است که نحوه کارکرد رابطه مزبور در آن محتاج بازبینی عمیق تر است. در این مقاله به تبیین ابعادی از این موضوع بسیار مهم پرداخته می شود.

۱- دسته بندی صنایع

صنایع ایران را می توان به سه دسته تقسیم بندی کرد (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۹۵).

* **گروه اول** صنایع مصرفی بی دوام است که تکنولوژی پایین دارند. این گروه شامل نساجی، پوشاک، چرم، کاغذ، چوب و بازیافت می شود که دارای سهم بالا در اشتغال صنعتی هستند. در شرایط کنونی، سهم این گروه در کل صنعت و میزان اشتغال زایی کاهش پیدا کرده است.

* **گروه دوم** صنایع بزرگ و سنگین که اغلب کالاهای سرمایه ای، مصرفی بادوام و یا کالاهای واسطه ای تولید می کنند. این گروه شامل ماشین آلات برقی، محصولات فلزات اساسی، صنایع ساخت وسایل نقلیه موتوری، صنایع پالایشگاهی، مواد و محصولات شیمیایی و پتروشیمی می شود. رشته فعالیت های مربوط به این گروه تکنولوژی متوسط دارند، انرژی بر هستند و دارای اشتغال زایی متوسط می باشند.

* **گروه سوم** صنایع ساخت تجهیزات پزشکی، هوا فضا و ارتباطات است که از تکنولوژی نسبتاً بالا استفاده می‌کنند. این صنایع سهم بسیار ناچیزی در ساختار صنعتی ایران دارند. این گروه، دارای اشتغال زایی محدود است.

۲- رابطه دسته بندی صنایع با گروه بندی در آمدی کشورها

مطالعات و شواهد نشان می‌دهد که کشورهای با سطوح درآمدی مختلف، دارای کسب و کارهای سه‌گانه گوناگون صنعتی هستند (موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۹۵).

۱- **کشورهای با سطوح درآمدی پایین**، برای دستیابی به اشتغال و درآمد بالاتر و صنعتی شدن، در صنایع گروه اول همچون غذایی و آشامیدنی، صنایع تبدیلی، نساجی و پوشاک سرمایه گذاری می‌نمایند.

۲- **کشورهای با سطوح درآمدی متوسط** نیز برای صنعتی شدن، در صنایع گروه دوم همچون فلزات اساسی، ماشین آلات و کالاهای و اسطه‌ای سرمایه گذاری می‌کنند.

۳- **کشورهای با سطوح درآمدی بالا**، در صنایع گروه سوم که دارای فناوری پیشرفته هستند، سرمایه گذاری می‌نمایند. همچنین آنها از مشاغل در خدمات مرتبط با صنایع مورد نظر حمایت می‌کنند.

وضعیت اقتصادی ج.ا.ایران نیز در چارچوب مفهومی مزبور قرار دارد. بدین معنی که دارای درآمد متوسط است و از اینرو تمرکز فعالیت‌های صنعتی کشور بر صناعی استوار است که اشتغال‌زایی آنها به‌طور نسبی کمتر است. بالاترین سهم فعالیت‌های صنعتی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲، به‌طور متوسط متعلق به صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید فلزات اساسی و تولید وسایل نقلیه موتوری (صنایع گروه دوم) بوده است و صناعی مانند نساجی و پوشاک (صنایع گروه اول) که توان اشتغال‌زایی بالایی به ازای هر واحد سرمایه‌گذاری دارند، سهم کمتری در بخش صنعت داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت در ج.ا.ایران، سهم صنایع با تکنولوژی پایین کاهش و سهم گروه‌هایی با فناوری‌های متوسط افزایش یافته است. این امر گسترش کسب و کارهای سرمایه بر را که دارای اشتغال‌زایی محدودتر هستند، به همراه داشته است. صندوق

بین‌المللی پول در گزارش اخیر خود، توان پایین خلق شغل در صنایع ایران را مورد توجه قرار داده است. بر اساس این گزارش، متوسط کشش اشتغال در کل اقتصاد ایران بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ میلادی ۰/۳ بوده است؛ بدین معنی که با افزایش هر یک درصد به رشد اقتصادی، تنها ۰/۳ درصد به میزان شاغلان اضافه می‌شود که در مقایسه کشورهای دارای اقتصاد نوظهور عملکرد پائینی را نشان می‌دهد. حال باید دید که کشورهای دارای اقتصاد نوظهور چه اقداماتی انجام داده‌اند.

۳- تمایز مهم اقتصادهای نوظهور با ج.ا.ایران

معمولا کشورهای دارای اقتصاد نوظهور، دارای درآمد متوسط هستند. اما آنها دارای برنامه‌های «هدفمند صنعتی» نیز می‌باشند. این امر موجب می‌شود که آنها برای رفع چالش کاهش اشتغال زایی اقدام مهم دیگری را انجام می‌دهند که در ج.ا.ایران مغفول مانده است. بدین معنی که آنها به پایداری فعالیتهای اقتصادی از طریق ساماندهی زنجیره ارزش، توجه فراوانی معمول می‌دارند و بموازات تولیدات صنعتی، خدمات مرتبط با صنایع تولیدی مربوطه را نیز توسعه و گسترش می‌دهند. این امر موجب افزایش ضریب اشتغال زایی فعالیتها شده است.

متأسفانه رشته فعالیتهای صنعتی در ج.ا.ایران، اصل زنجیره ارزش را رعایت نمی‌نمایند. بعبارت دیگر، بیش از آنکه به اکوسیستم فعالیتهای توجه گردد، به تولید محصول تاکید می‌شود. حال آنکه تمرکز به اکوسیستم فعالیتهای، موجب بهبود ارزش آفرینی و اشتغال زایی می‌شود. بعنوان نمونه، می‌توان به وضعیت زنجیره ارزش در بخش‌های کشاورزی و نفت اشاره داشت.

در بخش کشاورزی و امور دامی به تولید محصولاتی همچون گندم و گوشت توجه می‌شود، اما به پیوند حوزه‌های بالا دستی (بذر و یانژاد اصلاح شده)، میان دستی (تولید محصولات) و یا پایین دستی (صنایع تبدیلی و بازار) توجه لازم صورت نمی‌پذیرد. این امر از یکسو موجب ضایعات فراوان در این بخش شده و از سوی دیگر فرصت‌های شغلی فراوانی از دست می‌رود. بر اساس محاسبات بعمل آمده ضریب اشتغال فزاینده

در تولید کشاورزی ۱,۴ است (به ازای هر شغل مستقیم حدود ۴/ شغل غیر مستقیم بدست می آید)، اما رعایت زنجیره ارزش (حوزه های بالا دستی، تولید و پایین دستی) موجب بهبود ضریب اشتغال زایی در صنایع کشاورزی به حدود ۴,۴ می شود. یعنی به ازای هر شغل مستقیم، حدود ۳,۴ شغل غیر مستقیم بدست می آید. این روند در سایر بخشها و رشته فعالیتهای نیز وجود دارد. ضریب اشتغال فزاینده در بخش تولیدات نفت و گاز ۱,۶ است، اما ضریب مزبور در صنایع ساخت فراوردهای نفتی، مواد و محصولات شیمیایی، لاستیک و پلاستیک حدود ۲,۱ می باشد. یعنی به ازای هر شغل مستقیم، حدود ۱,۱ شغل غیر مستقیم بدست می آید.

۴- چه باید کرد؟

در ج.ا.ایران، وضعیت «خاص» برقرار است که دلالت بر شرایط پیچیده و دشوار دارد. بدین معنی که از یکسو به سبب برخورداری از جمعیت جوان، باید در جهت اشتغال گروه سنی جوان و نیروهای تحصیل کرده که دارای نرخ بیکاری بالا هستند، تلاش گسترده ای را بعمل آورد و از سوی دیگر، دارای در آمد متوسط است و ساختار صنعتی آن دارای گروه صنایع اشتغال زا نمی باشد. بعبارت دیگر، ساختار صنعتی در ج.ا.ایران سرمایه بر است و با ادامه وضع موجود، روند رشد اقتصادی و صنعتی لزوماً متضمن افزایش اشتغال نمی باشد.

مناسبترین راهکاری که برای ایجاد فرصتهای شغلی وجود دارد، تکمیل حلقه‌های مفقوده در بخش‌های صنعت و کشاورزی و همچنین تقویت پیوند بین فعالیتهای صنعتی بنگاه های بزرگ و سرمایه‌بر با فعالیتهای صنعتی متوسط و کوچک به منظور سرریز کردن آثار رشد صنایع بزرگ به صنایع کوچک و اشتغال‌زا در راستای اصل زنجیره ارزش است.